

آقای بنیان گذار

در ستایش تلاش حبیب نفیسی در تاسیس پلی تکنیک



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

چندروز پیش خواندن کتاب تازه منتشرشده «از دارالفنون تا امیرکبیر» را که به تاریخ ایجادورشد دانشگاه پلی تکنیک تهران می‌پردازد، تمام کردم. به‌طور معمول مطالعه چنین کتاب‌هایی کاری است دشوار چون در چنین متن‌هایی آنچه زیاد دیده می‌شود، سند و تاریخ و شرح اقدامات است و آنچه کم به چشم می‌خورد، روایت و تحلیل و توجه به آدم‌ها و ساختارهاست. این یکی اما این گونه نبود و از همان آغاز، من یکی را سرر کیف آورد. مهمترین دلیل اش اعتنای ویژه‌ای بود که نویسنده کتاب، به زندگی بنیانگذار این مجموعه، مهندس حبیب‌الله نفیسی داشته است؛ اینکه او چگونه با افقی وسیع، ذهنی برنامهریز، عزمی مصمم و کوششی غروربرانگیز، آستین همت بالا زد و پلی تکنیک را با دستانی خالی اما قلبی آکنده از مهر به مردم و وطن، تاسیس کرد. نفیسی در خانواده‌ای برجسته از خشت افتاده بود. پدر بزرگ‌اش، ناظم‌الاطباء مشهور بود و پدرش علی اصغر نفیسی؛ نخستین وزیر بهداشت ایران. او خود نیز با جمعی که در بنیان گذاری پلی تکنیک بروز داد، ثابت کرد دست کمی از پدرانش ندارد. مسئله این است که نفیسی زمانی به فکر ایجاد پلی تکنیک افتاد که نه مملکت وضع مالی مناسبی داشت، نه استاد به اندازه کافی در دسترس بود. ساختمان، آزمایشگاه و کارگاه که بماند، باین همه او کفش‌هایی آهنین به پا کرد و دوره افتاد دور ایران و جهان و هزینه تاسیس دانشگاه را جور کرد. خودش در پاسخ به طعنه‌ها و تردیدها گفته بود: «گدایی می‌کنم و پلی تکنیک را تاسیس می‌کنم.» اینگونه بود که وقتی متوجه‌شدمی‌تواند از حمایت‌های سازمان ملل بهره بگیرد، راهی نیویورک شد و آن قدر کوشش کرد تا موفق شد کمک یک‌ونیم میلیون دلاری را دریافت کند. البته به این قانع نشد و از اداره اصل ۴ آمریکانیز ۲/۵ میلیون دلار گرفت. بعدتر تازه سراغ برخی کشورهای اروپایی چون انگلستان، فرانسه، سوئیس، سوئد، ایتالیا و دانمارک رفت و از آن تلاش‌ها هم دست خالی برنگشت. خودش می‌گفت: «من می‌گیرم و نمی‌خرم.» همین جمله را بعدتر هم به امیرعباس هویدا گفته بود که از او پرسیده بود، چرا از بلژیکی‌ها خرید نمی‌کند. آنچه نفیسی می‌گرفت، فقط هم پول نبود. متخصص، بورسیه، ماشین آلات و دوره‌های مشترک هم بود. اینگونه برخی از بهترین استاد‌های غربی آمدند و به دانشجویان ایرانی درس دادند. در کل تلاش‌های نفیسی در گردآوری هزینه‌وامکان دانشگاه پلی تکنیک را می‌شود تحت عنوان «دپلماتی علمی» در دانشگاه‌های این کشور درس داد. کاری که او کرد، کارستانی بود عظیم. البته نفیسی در چشم برخی از مدیران، خار بود. طبیعی هم بود که چنین باشد. مدیر دولتی که دست‌اش در جیب بودجه مملکت است کجا و کسی چون نفیسی که برای مملکت کسب اعتبار هم می‌کند، کجا؟ دانشجویان اما قدر و قیمت‌اش را می‌دانستند و همراهش بودند و می‌فهمیدند رئیس دانشگاهی که از هشت صبح تا هشت شب زحمت می‌کشد و بعد می‌رود منزل با همسر و فرزندانش شام می‌خورد و دوباره برمی‌گردد به خوابگاه تا پای سخنان دانشجویانی بنشیند که به قول خودش در طول روز وقت ندارند با او درد دل کنند، چه وجود گرانهایی است.

قدر نفیسی را البته و اما دولتی‌ها ندانستند و او در آغاز دهه ۱۳۴۰ ز ریاست پلی تکنیک برکنار شد. چندسال بعد که بازگشت اما این بار دانشجویان جدید با او دچار اصطکاک‌هایی شدند. اوهم استفاده‌دورفت‌موسسه‌ای خصوصی ساخت به‌نام «تکنیکوم نفیسی» (NIT) که

آرزو داشت بتواند در هر شهرستانی شعبه‌ای از آن افتتاح کند و در درازمدت بشود رقیب MIT. چنین البته نشد و

بعد از پیروزی انقلاب چندماهی را هم به‌انجام همکاری

با رژیم گذشته، در اوین گذراند. دادگاهش اما یکی از

شورانگیزترین دادگاه‌ها شد؛ چون در آن جمع کثیری از

فارغ التحصیلان پلی تکنیک که در میان‌شان از انقلابیون

و مسئولان وقت جمهوری اسلامی هم بود، حاضر شدند

و بر بی‌گناهی او شهادت دادند. در کیفرخواست او آمده

بود که پدر بزرگش، طبیب ناصرالدین‌شاه بوده و ایشان

نسل اندر نسل در خدمت طاغوت بوده‌اند. تاسیس

مدارس مختلطی چون پلی تکنیک و علم وصنعت،

نگهداری یک تفنگ تزئینی و معرفی یک جوان به

سلاواک نیز در همین کیفرخواست قرائت شد. آخری را

پدر همان جوان، همان جاکنکب کرد و در نهایت قاضی

دادگاه، آیت‌الله محمدی از نفیسی دعوت کرد که کنار او

بنشیند. نفیسی تیره‌شد و دانشجویانش او را در آغوش

گرفتند، اما اولش از آن زندان و محاکمه شکست. به‌قول

خانواده‌اش، «دیگر آن انسان سابق نشد» و در مردادماه

۱۳۶۳ نیز در تهران درگذشت.

۲۴ ساعت

24 HOURS

✉hammihanmedia@gmail.com

🐦@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی

• مشاوران: عباس‌عبدی‌واحمد زیدآبادی

• سردبیر: محمدجوادروح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی

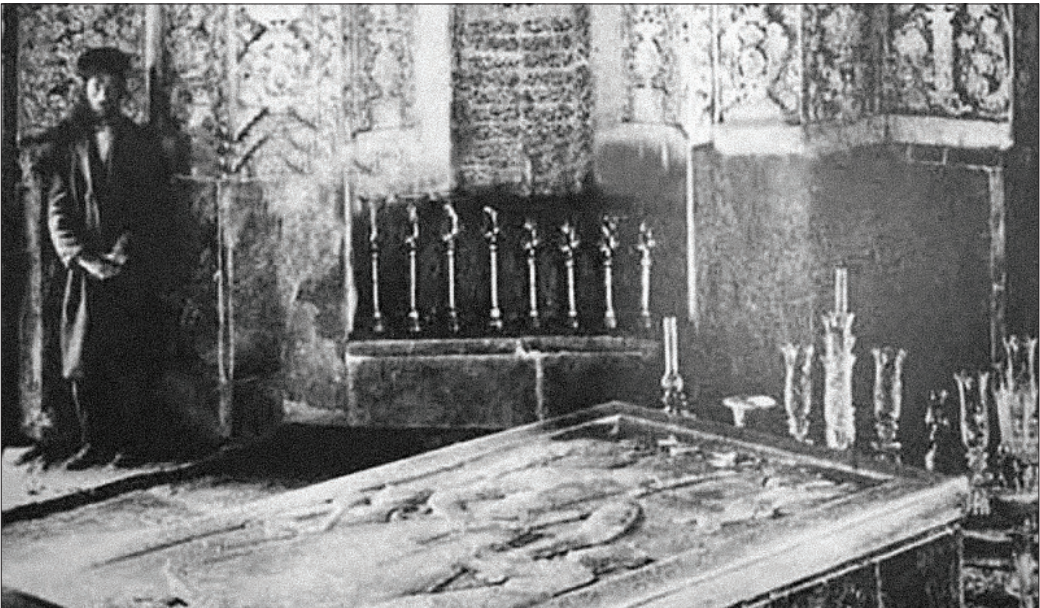
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دپلماتی و بین‌الملل)

• علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)

• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری

• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار

• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



محو فتح‌علی شاه از قم

آرامگاه شاه قاجار در حرم حضرت معصومه (س) به دفتر زائران تبدیل شده و در حال تخریب است

ساعتی که روی یکی از دیوارها نصب شده، آرامگاه را از کاربری اولیه آن خارج کرده، به مکانی کاملاً اداری تبدیل کرده و تیر خلاص را بر پیکر فتح‌علی شاه و مقبره‌اش وارد کرده است. ضمن اینکه هیچ تابلویی که نشان از آرامگاه‌بودن این مکان بدهد، روی دیوارها نصب نشده و احتمالاً زیارت‌کنندگان از اینکه روزگاری آنجا مقبره فتح‌علی‌شاه بوده، اطلاعی ندارند.

ویدئوی منتشرشده از آرامگاه فتح‌علی‌شاه ابعاد عجیبی از کاربری اداری در این مکان را نشان می‌دهد؛ از گذاشتن یخچال در گوشه‌ای از مقبره تا دستگاه قهوه‌ساز و تعداد بی‌شمار صندلی‌های اداری و هر چیزی که نیاز یک مکان اداری است آنجا وجود دارد اما خبری از قبر شاه قاجار نیست.

در تماس با مسئولان میراث فرهنگی استان قم با تایید اینکه ویدئوی منتشرشده مربوط به آرامگاه فتح‌علی‌شاه است، از اتفاقات افتاده در این مکان اظهار بی‌اطلاعی کرده و اتفاقاً از مراقبت مناسب مسئولان حرم در آرامگاه، تقدیر کردند.

این درحالی‌است که حرم حضرت معصومه(س) در فهرست آثار ملی شهر قم به ثبت رسیده و بر همین اساس، اماکن موجود در آن نیز باید از قوانین مصوب ثبت آثار ملی پیروی کنند.

▼ پروتکل استفاده از میراث ملی

استفاده از آثار ملی باید به‌گونه‌ای باشد که به آن‌ها آسیب نرسانند و ارزش تاریخی و فرهنگی‌شان حفظ شود. طبق اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، دولت و سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی مسئول نظارت و بازرسی از آثار ملی و اجرای دستورالعمل‌های حفاظت از آن‌ها هستند. درمجموع دستورالعمل حفاظت از آثار ملی، مجموعه قوانین، مقررات و دستورالعمل‌هایی است که برای حفظ میراث فرهنگی کشور از جمله آثار ملی وضع شده‌اند و با هدف حفاظت، هم‌چنین به‌صورت الکترونیکی با آثار، در حال اجرا هستند.

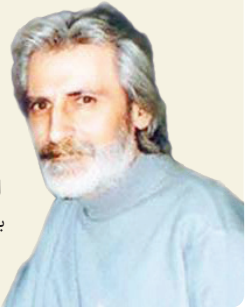
مثلاً یکی از مسائل مهم حقوق شهروندی موضوع «نوشتن یادگاری بر بناهای تاریخی و فرهنگی» است، نوشتن یادگاری و حک کردن نوشته روی آثار تاریخی و فرهنگی در قوانین جمهوری اسلامی ایران به‌طور صریح جرم‌انگاری شده و مستوجب مجازات است. طبق ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی و تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به‌ثبت رسیده است، خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از یک تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.

همچنین طبق ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، هرگونه اقدامی که موجب تزلزل بنیان آثار مذکور شود یا در نتیجه آن به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، مشمول مجازات مندرج در ماده فوق خواهد بود. حفاظت ابنیه تاریخی شامل یک نظم حرفه‌ای هماهنگ با روش‌های فنی، علمی، تاریخی و زیبایی‌شناسانه است که به مسائل چندسویه نظر داشته و سعی در تداوم تاریخی یک اثر با حفظ کالبد و شالوده دارد. اتفاقات پیش‌آمده متأسفانه حکایت از بی‌مسئولیتی مردم و مسئولان در برابر اماکن تاریخی دارد. در این میان گویا علاوه بر آموزش شهروندان برای استفاده از اماکن تاریخی، به دستورالعمل‌هایی برای رعایت مسئولان و کمتر تخریب کردن بناهای تاریخی نیز نیاز است. بناهای تاریخی یکی‌یکی جان می‌دهند و مسئولان دیگر حتی واکنشی هم نشان نمی‌دهند و خود را از جواب‌دادن خلاص کرده‌اند. انگار باید قبول کنیم همین است که هست.

چهره

روز سکوت کلاویه‌ها

وقتی موسیقی متن فیلم‌هایی مثل «اُژانس شیشه‌ای»، «از کرخه تا راین» یا «بوی پیراهن یوسف» را با آهنگسازی مجید انتظامی می‌شنویم، سازی که بیشتر از همه صدایش در گوشمان می‌پیچد، پیانوست. پیانویی که آندره آرزومانیان می‌نواخت. آرزومانیان، پیانیست ارمنی‌تباری که کار حرفه‌ای خود را از دهه ۵۰ با حضور در گروه‌های موسیقی شروع کرد، در دهه ۶۰ سراغ ساخت موسیقی فیلم رفت و نام او را در میان فیلم‌سازان ایرانی سر زبان‌ها انداخت. اما همیشه پیانونوازی او بود که در یادها می‌ماند. یکی از برجسته‌ترین فعالیت‌هایش، همکاری با فریبرز لاچینی در ساخت آلبوم مشهور «خواب‌های طلایی» بود. او چون بیشتر در پشت صحنه بود، برای مخاطب عام کمتر شناخته‌شده ماند و بیشتر اهالی موسیقی معتقد بودند که قدرنادیده ماند. آندره آرزومانیان به‌دلیل ابتلا به بیماری سرطان در اواخر دهه ۸۰، مدتی در بستر بیماری بود و در ۱۱ خردادماه سال ۱۳۸۹، در ۵۶ سالگی درگذشت.



تاریخ

راه‌اندازی شبکه CNN



اول ژوئن ۱۹۸۰، شبکه خبری CNN به‌عنوان نخستین شبکه خبری ۲۴‌ساعته، در آمریکا آغاز به‌کار کرد. موسس این شبکه، تد ترنر بود و هنگام تاسیس آن، ۲۰۰ کارمند را استخدام کرد. سی‌ان‌ان در سال ۱۹۸۲، برای نخستین‌بار اقدام به راه‌اندازی یک شبکه خبری با عنوان Headline News کرد که در آن مهم‌ترین اخبار داخلی آمریکا و بین‌المللی به‌صورت برنامه‌نیم‌ساعته پخش می‌شد. این شبکه در سال ۲۰۰۸ به HLN تغییر نام داد. شبکه سی‌ان‌ان که اولین شبکه تمام‌خبری در آمریکانیز بود، از سال ۱۹۸۵ پخش شبانه‌روزی برنامه‌های خبری در اروپا را نیز آغاز کرد. بعدتر نیز به درخواست کشورهای عربی، سی‌ان‌ان عربی افتتاح شد. اوج کار سی‌ان‌ان بین‌الملل، از اولین جنگ عراق آغاز شد. مقر اصلی این رسانه در آتلانتاس و به‌جز ایالاتمتحده آمریکا و کانادا، از طریق سی‌ان‌ان بین‌الملل بیش از ۲۰۰ کشور تحت پوشش آن قرار دارند. طبق آمارها، این شبکه در داخل آمریکا به قریب به ۱۰۰ میلیون نفر خدمات می‌دهد و در اغلب کشورها و مناطق جهان هم دفتر دارد. سایت سی‌ان‌ان نیز با تیمی متشکل از تقریباً چهار هزار پرسنل حوزه خبر، کارش را پیش می‌برد.

ادامه سرمقاله

روزنامه کیهان به‌طور ضمنی به این واقعیت اذعان کرده و درباره توقیف این سرپال نوشته است که: «تهیه‌کنندگان این سرپال عجب کلکی سوار کرده‌اند! آنها می‌دانستند که این سرپال با وجود صحنه‌های فسادانگیز و ضداخلاقی توقیف می‌شود، و خبر توقیف آن همه جابخش خواهد شد و بعد با حذف صحنه‌های ضداخلاقی به این سرپال اجازه نمایش می‌دهند! یعنی با سوءاستفاده از سادگی مسئولان، خبر توقیف سرپال به یک آگهی تبلیغاتی برای آن تبدیل شده و بایرانگیختن کنج‌کاوی‌ها، بسیاری را به دیدن آن ترغیب می‌کند. مثل نمونه‌های مشابه قبلی! صحنه‌های حذف‌شده را هم که در فضای مجازی نشان داده‌اند.»
خب معنای این جملات بسیار روشن است. در واقع، سیاست و مقرراتی گذاشته شده است که اطلاع مردم از عبور از آن موجب جذابیت آن فیلم برای دیدن بیشتر می‌شود. البته، شاید بگویند که تقاضا برای چنین صحنه‌هایی زیاد است؛ ولی واقعیت این نیست. چون صحنه‌هایی به‌مراتب و صدها بار حادث از این صحنه را در فضای مجازی و ماهواره می‌بینند و اصولاً کسی به این موارد توجهی ندارد. مسئله اصلی سیاست‌گذار در ایران این است که، مانعی خواهیم این موارد را به رسمیت بشناسیم و پای آن هم می‌ایستیم. این رویکرد دو ایراد دارد. اول اینکه، خواسته یا ناخواسته خود را متمایز از مردم و جامعه تعریف می‌کنند و شکاف بزرگی میان خود و دیگران ایجاد می‌کنند. مردم را با خود بیگانه کرده و نه تنها حسن تعلق خاطر را از میان می‌برند، بلکه حسن نفرت را جایگزین و تقویت می‌کنند. دوم و بدتر اینکه، تجربه نشان داده مردم راه خود را می‌روند و این سیاست‌ها هیچ اثری ندارد و حتی شاید اثر منفی هم داشته باشد؛ زیرا مطابق قاعده مشهور، مردم را از هر چیزی که منع شوند، به آن راغب‌تر می‌شوند. این نوع سیاست‌گذاری در گزینش‌ها و اجتماعیات و فرهنگ فراوان دیده می‌شود و هر ناظری حیران می‌شود از این همه سیاست‌گذاری غیرمتعارف و با نتایج معکوس و نیز اصرار بر تداوم بی‌اثر آنها.